

۱۳۹۳ق؛ نورالثقلین: العروسى الحویزی (م. ۱۱۱۲ق.)، به کوشش رسولى محلاتى، اسماعیلیان، ۱۳۷۳ش؛ وسائل الشیعه: الحر العالمی (م. ۱۱۰۴ق.)، قم، آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۲ق.

محمد مهدى فیروزمهر



آیه ابلاغ ← آیه تبلیغ

آیه اسراء ← اسراء

آیه اکمال: سومین آیه سوره مائده درباره

کامل شدن دین اسلام با تعیین امام علی علیه السلام

به جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله

در بخشی از آیه ۳ مائده/۵ پس از یادآوری نو میدی کافران از ناکامی دین مسلمانان، به کامل شدن دین و خشنودی خداوند از اسلام به عنوان دین مردم تصریح شده است: ﴿الْيَوْمَ يَأْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^۱ از این رو، بخش یاد شده، آیه اکمال دین و به اختصار «آیه اکمال» خوانده می شود.^۱

کمال هر چیز یعنی اجزای آن کامل شده باشد^۲ و اکمال هنگامی است که غرض از آن

شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق؛ التبیان: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش العالمی، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تفسیر العیاشی: العیاشی (م. ۳۲۰ق.)، به کوشش رسولى محلاتی، تهران، المكتبة العلمية الاسلامية؛ تفسیر القمی: القمی (م. ۳۰۷ق.)، به کوشش الجزائری، قم، دار الكتاب، ۱۴۰۴ق؛ تفسیر نمونه: مکارم شیرازی و دیگران، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ الجامع لاحکام القرآن: القرطبی (م. ۶۷۱ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق؛ حقائق التأویل: الشریف الرضی (م. ۴۰۶ق.)، با شرح کاشف الغطاء، بیروت، دار المهاجر؛ الدر المنثور: السیوطی (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۶۵ق؛ روح المعانی: الأکوسی (م. ۱۲۷۰ق.)، به کوشش علی عبدالباری، بیروت، ۱۴۱۵ق؛ روض الجنان: ابوالفتوح رازی (م. ۵۵۴ق.)، به کوشش یاحقی و ناصح، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ش؛ زاد المسیر: ابن الجوزی (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش عبدالرزاق، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۲۲ق؛ الصافی: الفیض الکاشانی (م. ۱۰۹۱ق.)، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۲ق؛ الکافی: کلینی (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ الکشاف: الزمخشری (م. ۵۳۸ق.)، قم، بلاغت، ۱۴۱۵ق؛ کنز الدقائق: المشهدی (م. ۱۱۲۵ق.)، به کوشش درگاهی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۱ق؛ مجمع البحرین: الطریحی (م. ۱۰۸۵ق.)، به کوشش الحسینی، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ق؛ مجمع البیان: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ المسترشد: الطبری الشیعی (م. قرن ۴)، به کوشش محمودی، تهران، کوشانپور، ۱۴۱۵ق؛ مفردات: الراغب (م. ۴۲۵ق.)، نشر کتاب، ۱۴۰۴ق؛ المیزان: الطباطبائی (م. ۱۴۰۲ق.)، بیروت، اعلمی،

۱. نهج الحق، ص ۱۹۲؛ الغدير، ج ۱، ص ۲۳۴.
۲. العین، ج ۵، ص ۳۷۸؛ لسان العرب، ج ۵، ص ۵۹۹، «کمل».

به دست آید.^۱ اتمام نیز به معنای رسیدن هر چیز به حدی است که به چیزی بیرون از خود نیاز نداشته باشد و در برابر، ناقص چیزی است که به غیر خود نیاز داشته باشد.^۲

زمان نزول آیه را روز جمعه یا دوشنبه گفته‌اند^۳ و در نزول آن در روز عرفه^۴ یا غدیر^۵ خم اختلاف کرده‌اند. قریب به اتفاق دانشمندان حدیث و تفسیر شیعه و برخی از اهل سنت، نزول آن در هجدهم ذی‌حجه (روز غدیر) را پذیرفته‌اند. در روایت‌های فراوان شیعی، نزول آیه در روز غدیر خم و در پی نصب امام علی علیه السلام به جانشینی پیامبر دانسته شده است.^۶

در میان اهل سنت نیز ابن مردویه (م. ۴۱۰ ق.) در چندین روایت از ابوسعید خدری، ابوهیره و مجاهد نقل می‌کند که آیه اکمال در غدیر در شأن حضرت علی علیه السلام نازل شد.^۷ حاکم حسکانی (م. قرن ۵) نیز پنج روایت از ابوهیره، ابوسعید خدری و ابن عباس به

همین مضمون آورده است.^۸ سیوطی (م. ۹۱۱ ق.) در روایت‌هایی چند از صحابه و تابعین و دانشوران مشهور اهل سنت، نزول آیه اکمال را در غدیر بعد از انتصاب علی علیه السلام به ولایت و خلافت گزارش کرده است.^۹ ابن کثیر (م. ۷۴۴ ق.)^{۱۰} و جمال الدین قاسمی (م. ۱۳۳۲ ق.)^{۱۱} نیز از جمله دانشوران معروف اهل سنت هستند که روایت‌های نزول آیه اکمال در غدیر خم را نقل کرده و بر آن صحه گذاشته یا از آن خرده‌ای نگرفته‌اند. هر چند برخی چون ابن تیمیه، این روایت‌ها را ضعیف یا از مفتریات شیعه دانسته‌اند، با توجه به توثیق رجال سندهای این احادیث از منظر رجال‌شناسان اهل سنت و پذیرش آن‌ها از سوی گروهی از دانشوران حدیث سنی و نیز نبود دلیل و مستندی معتبر برای جعل و تزویر آن‌ها، اعتراضات یاد شده بی‌پایه به نظر می‌رسد.^{۱۲} از سوی دیگر در تلاش برای جمع میان روایت‌های نزول این آیه در عرفه و غدیر، سبط بن جوزی از نزول آیه اکمال دو بار، یک بار در عرفه و بار دیگر در غدیر یاد کرده است و البته در هر حال آیه را مربوط به

۱. مفردات، ص ۷۲۶؛ المصباح، ص ۶۳۸ «کمل».

۲. مفردات، ص ۱۶۸، «تم»؛ مجمع البحرین، ج ۱، ص ۲۹۵-۲۹۶، «کمل».

۳. الطبقات، ج ۲، ص ۱۴۴؛ التبیان، ج ۱، ص ۲۹۵-۲۹۶.

۴. برای نمونه نک: تاریخ طبری، ج ۸، ص ۸۹؛ مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۷۳.

۵. تفسیر فرات کوفی، ص ۱۱۸؛ الکافی، ج ۱، ص ۲۸۹؛ الصافی، ج ۲، ص ۵.

۶. مناقب علی بن ابی طالب، ص ۲۳۱-۲۳۳.

۷. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۰۰-۲۰۸.

۸. الدر المنثور، ج ۳، ص ۱۶-۱۷.

۹. تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۱۵.

۱۰. محاسن التأویل، ج ۴، ص ۳۳.

۱۱. نک: الغدیر، ج ۱، ص ۲۹۴-۲۹۸.

ساخت.^۷ هر چند برخی روایت‌های شیعی نیز نزول آیه را در روز عرفه شمرده‌اند، بر خلاف دیدگاه فوق، مناسبت نزول آن را ابلاغ فرمان نصب امام علی علیه السلام می‌دانند که در روز غدیر عملی شد.^۸

در وجه اکمال دین دیدگاه‌هایی میان مفسران مطرح است. ابن عباس و سدی و گروهی دیگر از مفسران آن را ناظر به کامل شدن فرایض و حدود و واجبات و نواهی و حلال‌ها و حرام‌ها شمرده‌اند؛ بدین سان که هیچ زیادت و نقصانی در شریعت نماند و از این رو، بعد از آن هیچ آیه‌ای حاوی این مضامین نازل نشد.^۹ فخر رازی با گسترده‌اند این دیدگاه، اکمال دین را در همه ابعاد و ناظر به تکامل تدریجی آن در طول تاریخ نزول ادیان الهی دانسته است.^{۱۰} زجاج گفته است که به قرینه نومیدی مشرکان، اکمال ناظر به استواری دین اسلام و نبود هیچ واهمه‌ای از کافران برای استمرار و گسترش آن است.^{۱۱} گروهی نیز آن را به معنای اکمال حج و انجام فرایض و مناسک توحیدی آن بدون هیچ نگرانی و ترس از مشرکان شمرده‌اند.^{۱۲}

ابلاغ ولایت علی علیه السلام می‌داند.^۱

در شأن نزول آیه گفته شده که در بازگشت پیامبر صلی الله علیه و آله از حجة الوداع در غدیر خم، سه میل مانده به جُحْفَه*، آیه ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ (مائده/۵)، نازل شد و پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد همه مسلمانان گرد هم آیند. سپس به خواندن خطبه پرداخت^۲ و فرمود: خداوند به من فرمان داده که اگر آنچه را درباره علی علیه السلام ابلاغ شده نگویم، رسالتم را انجام نداده‌ام.^۳ آن‌گاه پیامبر صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود: «من كنت مولاه فعلي مولاه». در این هنگام، خداوند آیه ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي﴾ را نازل کرد.^۴

گروهی نیز روز عرفه در حجة الوداع* را زمان نزول آیه پذیرفته‌اند.^۵ این گروه در شأن نزول آیه گفته‌اند که چون پیامبر در روز عرفه از بالای جبل الرحمه* در عرفات یا از بالای شتر^۶ به پیرامون خود نگریست و همه را مسلمان یافت و هیچ مشرکی را ندید، شادمان گشت و آن‌گاه جبرئیل آیه یاد شده را نازل

۷. جامع البیان، ج ۶، ص ۱۰۵.

۸. نک: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۹۳.

۹. تفسیر مقاتل، ج ۱، ص ۴۵۲؛ مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۷۳.

۱۰. التفسیر الکبیر، ج ۱۱، ص ۱۳۸؛ فس فی ظلال القرآن، ج ۲، ص ۸۴۳.

۱۱. التبیان، ج ۳، ص ۴۳۵؛ الکشاف، ج ۱، ص ۵۹۳.

۱۲. جامع البیان، ج ۶، ص ۵۳؛ التبیان، ج ۳، ص ۴۳۵؛ مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۴۵-۲۴۶.

۱. تذکرة الخواص، ص ۳۷؛ نک: ینابیع الموده، ج ۱، ص ۳۴۳، ۳۴۷.

۲. المسترشد، ص ۴۶۵.

۳. الاحتجاج، ج ۱، ص ۵۸-۵۹.

۴. البداية و النهاية، ج ۵، ص ۲۱۳-۲۱۴.

۵. الطبقات، ج ۲، ص ۱۴۴؛ تاریخ طبری، ج ۸، ص ۹۹؛ التبیان، ج ۳، ص ۴۳۵؛ مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۷۳.

۶. جامع البیان، ج ۶، ص ۱۰۶، ۱۱۱.

در روایت‌هایی فراوانی از امامان شیعه، اکمال دین به معنای نصب امام علی (علیه السلام) به جانشینی پیامبر در بازگشت از حجة الوداع دانسته شده^۱ و بر این اساس، همه مفسران شیعه به همین نظر گراییده‌اند.^۲ علامه طباطبایی با بررسی تناسب میان بخش‌های آیه و ذکر ادله فراوان قرآنی و روایی، قسمت معروف به آیه اکمال را جمله‌ای معترضه در میان آیه شمرده و موضوع اکمال دین را در پیوند با نومیذی کافران دانسته که هر دو ناظر به روز مشخص واحدی هستند. آن‌گاه با بررسی یکایک احتمال‌های مفسران، موارد نقض هر کدام را ذکر کرده، روز مورد نظر آیه را لزوماً روز تعیین جانشین پیامبر (علیه السلام) می‌داند که در غدیر خم رخ داد و سبب شد کافران از امکان نابودی اسلام پس از پیامبر نومیذ گردند و بدن سان، دین خداوند کامل شد.^۳ انتقادهای علامه طباطبایی بر احتمالات یاد شده، مستند به ادله قرآنی و تاریخی مورد قبول همگان‌اند؛ از جمله آن که نزول برخی احکام مانند حکم ربا ناقض نظریه تکمیل شریعت و احکام فقهی اسلام پیش از نزول آیه اکمال است. نیز فتح

مکه و گسترش اسلام و امکان برگزاری آزادانه حج فاصله زمانی نسبتاً بسیاری با زمان نزول آیه اکمال دارد. برخی احتمال‌های یاد شده نیز آن قدر کم ارزش هستند که نزول آیه‌ای با این بیان درباره آن‌ها غیر حکیمانه و نامعقول است.^۴

◀ منابع

الاحتجاج: ابومنصور الطبرسی (م. ۵۲۰ق.)، به کوشش سید محمد باقر، دار النعمان، ۱۳۸۶ق؛ البدایة و النهایة: ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۳ق؛ التبیان: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش العاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تذکرة الخواص: سبط بن جوزی (م. ۵۴۰ق.)، قم، الرضی، ۱۴۱۸ق؛ تفسیر ابن کثیر (تفسیر القرآن العظیم): ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، به کوشش مرعشلی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۹ق؛ تفسیر العیاشی: العیاشی (م. ۳۲۰ق.)، به کوشش الدراسات الاسلامیة - البعثه، قم، البعثه، ۱۴۲۱ق؛ التفسیر الکبیر: الفخر الرازی (م. ۶۰۶ق.)، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۱۳ق؛ تفسیر فرات الکوفی: الفرات الکوفی (م. ۳۰۷ق.)، به کوشش محمد کاظم، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۴ش؛ تفسیر قاسمی (محاسن التأویل): القاسمی (م. ۱۳۳۲ق.)، به کوشش محمد باسل، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق؛ تفسیر مقاتل بن سلیمان: مقاتل بن سلیمان

۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۹۳؛ الکافی، ج ۱، ص ۱۹۹، ۲۸۹؛ ج ۸، ص ۲۷؛ نک: شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۰۰-۲۰۱.

۲. التبیان، ج ۳، ص ۴۳۵؛ جوامع الجامع، ج ۱، ص ۴۷۴؛ الصافی، ج ۲، ص ۱۰.

۳. المیزان، ج ۵، ص ۱۷۰-۱۷۵.

۴. المیزان، ج ۵، ص ۱۷۰-۱۷۵.

۱۳۹۳ق؛ نهج الحق و كشف الصدق: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق)، به كوشش الحسنی الارموی، قم، دار الهجره، ۱۴۰۷ق؛ ينابيع الموده: القندوزی (م. ۱۲۹۴ق)، به كوشش علی جمالی اشرف، تهران، اسوه، ۱۴۱۶ق.

علی درزی



آیه انذار: آیه ۲۱۴ سوره شعراء دربارہ

انذار خویشاوندان پیامبر ﷺ

انذار مصدر باب افعال از ریشه «ن - ذ - ر» و به معنای آگاه ساختن همراه بیم و پرهیز است.^۱ این مفهوم در بیش از ۱۲۴ جا در قرآن به کار رفته^۲ و در کنار تبشیر از وظایف مهم پیامبران به شمار رفته است.

آیاتی چند، آیه انذار نامیده شده‌اند؛ از جمله: مدثر/ ۷۴، ۱-۲؛ توبه/ ۹، ۱۲۲؛ شوری/ ۴۲، ۷. اما مشهورترین آن‌ها آیه ۲۱۴ شعراء/ ۲۶ است که فرمان خداوند به پیامبر را برای انذار خویشاوندانش در آغاز دعوت علنی، در سال چهارم بعثت بیان می‌کند: ﴿وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾^۳ خداوند به رسول خود فرمان می‌دهد که پیش از ابلاغ دعوت عمومی، نخست خاندان خود را از عذاب الهی

(م. ۱۵۰ق)، به كوشش احمد فريد، دار الكتب العلميه، ۱۴۲۴ق؛ جامع البيان: الطبري (م. ۳۱۰ق)، به كوشش صدقي جميل، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۵ق؛ جوامع الجامع: الطبرسي (م. ۵۴۸ق)، قم، النشر الاسلامي، ۱۴۱۸ق؛ الدر المنثور: السيوطي (م. ۹۱۱ق)، بيروت، دار المعرفه، ۱۳۶۵ق؛ شواهد التنزيل: الحاكم الحسكاني (م. ۵۰۶ق)، به كوشش محمودي، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۱ق؛ الصافي: الفيض الكاشاني (م. ۰۹۱ق)، بيروت، اعلمى، ۱۴۰۲ق؛ الطبقات الكبرى: ابن سعد (م. ۲۳۰ق)، بيروت، دار صادر؛ العين: خليل (م. ۱۷۵ق)، به كوشش المخزومي و السامرائي، دار الهجره، ۱۴۰۹ق؛ الغدير: الاميني (م. ۱۳۹۰ق)، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۶۶ش؛ في ظلال القرآن: سيد قطب (م. ۱۳۸۶ق)، قاهره، دار الشروق، ۱۴۰۰ق؛ الكافي: الكليني (م. ۳۲۹ق)، به كوشش غفاري، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۷۵ش؛ الكشاف: الزمخشري (م. ۵۳۸ق)، مصطفى البايي، ۱۳۸۵ق؛ لسان العرب: ابن منظور (م. ۷۱۱ق)، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق؛ مجمع البحرين: الطريحي (م. ۱۰۸۵ق)، به كوشش الحسيني، تهران، فرهنگ اسلامي، ۱۴۰۸ق؛ مجمع البيان: الطبرسي (م. ۵۴۸ق)، به كوشش گروهی از علماء، بيروت، اعلمى، ۱۴۱۵ق؛ المسترشد: الطبري الشيعي (م. قرن ۴)، به كوشش محمودي، تهران، كوشانپور، ۱۴۱۵ق؛ المصباح المنير: الفيومي (م. ۷۷۰ق)، قم، دار الهجره، ۱۴۰۵ق؛ مفردات: الراغب (م. ۴۲۵ق)، به كوشش صفوان داودي، دمشق، دار القلم، ۱۴۱۲ق؛ مناقب آل ابی طالب: ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ق)، به كوشش گروهی از اساتيد، نجف، المكتبة الحيدريه، ۱۳۷۶ق؛ الميزان: الطباطبائي (م. ۱۴۰۲ق)، بيروت، اعلمى،

۱. مفردات، ص ۴۸۷؛ تاج العروس، ج ۷، ص ۵۱۷، «نذر».

۲. المعجم الاخصائي، ج ۳، ص ۱۵۴۲.

۳. جامع البيان، ج ۱۹، ص ۱۴۸.